

# شکاف‌های اجتماعی عراق و تأثیرهای آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با محور بحران ۲۰۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۵

سجاد مرادی کلارده<sup>۱</sup>\*

رضا سیمبر<sup>۲</sup>

## چکیده

عراق، کشوری با میزان تجانس اجتماعی پایین است. تعدد گروه‌های قومی- مذهبی و سهم‌خواهی از قدرت، شکل‌گیری شکاف‌های اجتماعی چندگانه را در عراق، موجب شده که با شکل‌گیری گروه‌های تروریستی، بر سیاست خارجی کشورهای منطقه، تأثیرگذار بوده است. این مقاله سعی دارد با روش تحلیلی و محوربودن نظریه نورثالیسم تدافعی به این پرسش پاسخ‌گوید که شکاف‌های اجتماعی عراق بر سیاست خارجی ایران در عراق در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در شرایط ظهور داعش چه تأثیری داشته است؟ همچنین این فرضیه مطرح می‌شود که شکاف‌های اجتماعی عراق در شرایط ظهور گروه‌های تروریستی نظیر داعش، زمینه مواجهه ایران با چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم کرده و وجوه امنیتی آن را افزایش داده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این مسئله در ابعاد داخلی سیاست خارجی، ایران را با تعمیق شکاف شیعه و سنی و نیز احتمال تجزیه عراق و مسائل قومیتی برخاسته از آن مواجه می‌کند؛ این مسئله در بعد منطقه‌ای خود از یک‌طرف، ایجاد شکاف در ژئوپلیتیک شیعی و در نتیجه، شکاف در محور مقاومت را در پی دارد و از طرفی نیز، تهدید محیط امنیتی منطقه‌ای را موجب می‌شود که واکنش ایران در راستای دفاع فعال تهاجمی را به همراه داشته است؛ در طرف سوم نیز، این مسئله به شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای ضد ایران با محور بودن حمایت از داعش و سایر گروه‌های تروریستی منجر شده است. در نهایت در سطح بین‌المللی، افزایش حضور آمریکا در محیط منطقه‌ای ایران و راهبرد نیابتی سیاست خارجی این کشور را ضد ایران در پی داشته است.

**واژگان کلیدی:** عراق، شکاف‌های اجتماعی، سیاست خارجی ایران، تروریسم، داعش.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول smkelardeh@gmail.com)

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

## مقدمه

در عراق کنونی، عدم ادغام گروه‌های قومی - مذهبی در قالب ملت واحد و شکل‌گیری هویت ملی و رقابت بر سر قدرت به ایجاد شکاف‌های اجتماعی متعدد منجر شده‌است و منافع مشترک میان گروه‌های عراقی و کشورهای بیرونی را شکل داده‌است؛ این شکاف‌ها در سال‌های اخیر با گسترش روزافزون تروریسم بر سیاست خارجی ایران در ابعاد مختلف، تأثیرگذار بوده‌است. در خصوص تأثیر شکاف‌های اجتماعی عراق بر سیاست خارجی ایران در ابعاد مختلف، برخی آثار، با رویکرد جامعه‌شناختی سیاسی و برشمردن شکاف‌های اجتماعی عراق، به برقراری ارتباط میان گسترش خشونت و عدم تحقق دموکراسی در عراق می‌پردازند و به دلایلی نظیر بحران هویت و مشروعیت، غلبه باورهای فرقه‌ای - زبانی، دولت ناکارآمد و فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک اشاره دارند که در ابعاد خارجی، سیاست خارجی ایران را نیز متأثر کرده‌است (سردارنیا و زارع، ۱۸۲-۱۷۰، ۱۳۹۴).

در برخی آثار نیز به نقش این شکاف‌ها در چالش‌های کنونی اشاره شده‌است؛ برای نمونه معتقدند که نگاه قومی به فدرالیسم به سیاست‌های دولت نیز سرایت کرده‌است؛ در نتیجه، فدرالیسم فعلی را برآمده از ساختاری معیوب می‌دانند که از ساخت تحمیلی دولت، ساختار اقتصادی معیوب و نداشتن پایگاه قوی مردمی، ناشی است؛ ناکامی این ساختار در تخصیص مناسب منابع و قدرت و مداخله دولت‌های منطقه، به امنیت‌محوری سیاست خارجی ایران در عراق منجر شده‌است (Lebillon, 2015؛ Al-Qarawee, 2014).

برخی آثار نیز، رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در گسترش شکاف‌های اجتماعی عراق مؤثر می‌دانند که بر سیاست خارجی ایران هم اثرگذار بوده‌است. آنها با بهره‌گیری از تحلیل‌های ژئوپلیتیکی و بررسی رقابت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مانند ترکیه، عربستان و آمریکا در عراق، سیاست‌های حمایتی آنها را از برخی گروه‌ها و جریان‌های معارض دولت عراق، ایجاد چالش در قلمرو ژئوپلیتیک ایران ارزیابی می‌کنند (نیاکویی و مرادی، ۱۳۹۴)؛ در مجموع، اغلب این آثار با برشماری شکاف‌های عراق، سیاست‌های کشورهای منطقه را بر آن، مؤثر دانسته‌اند و کمتر به نقش این شکاف‌ها بر سیاست خارجی ایران در شرایط ظهور گروه‌های تروریستی توجه کرده‌اند. این مقاله با به‌کارگیری روش تحلیلی - توصیفی و نظریه (تئوری) نواقع‌گرایی تدافعی، ضمن بررسی شکاف‌های اجتماعی عراق به این پرسش پاسخ می‌دهد که «این شکاف‌ها چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران در عراق در

ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در شرایط ظهور داعش داشته‌است؟» و درمقابل، این فرضیه را مطرح می‌کند که شکاف‌های اجتماعی عراق در شرایط ظهور گروه‌های تروریستی نظیر داعش، زمینه مواجهه ایران با چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم کرده و وجوه امنیتی آن را افزایش داده‌است؛ یافته‌ها نشان می‌دهند که این مسئله در ابعاد داخلی، سیاست خارجی ایران را با تعمیق شکاف شیعه و سنی و احتمال تجزیه عراق مواجه می‌کند؛ در بعد منطقه‌ای نیز شکاف در ژئوپلیتیک شیعی و محور مقاومت، تهدید محیط امنیتی منطقه‌ای، شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای ضد ایران با محور حمایت از داعش را به‌همراه داشته و در سطح فرامنطقه‌ای، افزایش حضور آمریکا در محیط منطقه‌ای ایران از پیامدهای آن است.

### الف - چارچوب نظری: نورئالیسم تدافعی

در واقع‌گرایی کلاسیک که بر مبنای بقا، دولت‌گرایی و خودیاری شکل گرفت، دولت‌ها محور سیاست بین‌الملل‌اند، سرلوحه اهداف آنها بفاست و نظام بین‌الملل آنارشیک دولت‌ها را خودیاری می‌کند. خودیاری دولت‌ها را در دوره‌ای (سیکلی) از امنیت تا ناامنی گرفتار می‌کند و تلاش یک دولت در افزایش امنیت خود، به ادراک ناامنی دیگران منجر شده، معمای امنیت شکل می‌گیرد. مفهوم معمای امنیت به ظهور نورئالیسم در دهه ۱۹۸۰ انجامید که فقدان اقتدار مرکزی را نقطه عزیمت خود قرارداد (قوام، ۱۳۸۸:۱)؛ محور این نظریه که در گونه‌های تدافعی و تهاجمی ظاهر شد، این است که در عین توجه به عوامل سطح نظام، به برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز پرداخته شود. (مشیرزاده، ۱۳۹۱). نکته مشترک میان نواقح‌گرایان، این است که آنها در شرایط وجود آنارشی، دولت‌ها را در تأثیرگذاری بر رویدادهای سطح بین‌المللی، ناتوان می‌پندارند؛ پیامد اصلی این برداشت بر رفتار سیاست خارجی دولت‌ها، در عدم توانایی تغییر محیط عملیاتی خارجی و مقید شدن رفتار آنها توسط عوامل سطح نظام است (Mearsheimer, 1995).

از نظر *ولتز* در ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، هیچ منبع قدرت برتری برای اجبار دولت به پیروی وجود ندارد و دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، پیوسته در حال افزایش قدرت هستند. گاهی دولت‌ها با رفتار تهاجمی، به‌منظور کسب قدرت با هم رقابت می‌کنند و افزایش قدرت را بهترین وسیله برای تضمین بقا در این ساختار آنارشیک می‌دانند و گاهی نیز، این خصلت آنارشیک، رفتار تدافعی و نداشتن انگیزه برای افزایش بیش‌ازحد قدرت را

موجب می‌شود (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

اندیشمندان تدافعی، آنارشی را یک‌سره‌هازی یا به‌طور کامل، خوش‌خیم نمی‌دانند بلکه آن را وظیفه دولت‌مردان می‌دانند که در هر وضعیت به ارزیابی تهدید یا عدم وجود آن بپردازند؛ بنابراین به دلیل نایاب‌نبودن امنیت، دولت‌ها تنها در شرایط احساس وجود تهدید و اغلب در حد ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر پاسخ‌می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۳) رابرت جرویس<sup>۱</sup> معتقد است که «تلاش یک دولت برای افزایش امنیت خود، به کاهش امنیت دیگران منجر می‌شود»؛ بنابراین به‌رغم گریزناپذیری امنیت، این موضوع همیشه به گسترش رقابت‌های سخت و جنگ نمی‌انجامد (Taliaferro, 2001: 134-142)؛ بدین منظور، نواقح‌گرایان تدافعی برای خروج از معمای امنیت، بر افزایش نسبی تأکید دارند و توازن امنیت را گزینه بدیل توازن قوا می‌دانند.

در این راستا استفان *والث*،<sup>۲</sup> نظریه موازنه تهدید را مطرح کرد؛ براساس نظر *والث*، قدرت دو منبع داخلی و خارجی دارد و افزایش مجموع قدرت یک کشور، عاملی است که می‌تواند احساس تهدید همسایگان را برانگیزد. تهدید از نظر *والث*، چهار شاخص دارد: نخست، مجموع قدرت از تجمیع مؤلفه‌هایی مانند جمعیت، توان اقتصادی، وسعت، همبستگی سیاسی و...؛ دوم، نزدیکی جغرافیایی؛ سوم، قابلیت‌های تهاجمی و درنهایت، نیات تهاجمی (Walt, 1987)؛ تحت این شرایط، *والث* اشاره می‌کند که کشورها بیش‌ازآنکه در پی افزایش قدرت خود باشند، به‌دنبال جلوگیری از افزایش قدرت رقبا و حفظ جایگاه خود در نظام هستند؛ بنابراین راهبرد اصلی در مقابله با افزایش قدرت رقبا، موازنه‌سازی به‌صورت درون‌گرا و برون‌گراست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۰). سازوکار اصلی نواقح‌گرایی تدافعی در مقابله با تهدید، ایجاد موازنه تهدید است. *والث* اعتقاد دارد که دولت‌ها در مقابل آنهایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدید برای آنها باشند. با شدیدتر شدن تهدید خارجی، انگیزه اتحاد، بیشتر می‌شود و نظام، انسجام کارکردی بیشتری می‌یابد (Walt, 1987)؛ در مجموع از دید نواقح‌گرایان تدافعی، سیاست دولت‌ها باید بر حفظ جایگاه در نظام بین‌الملل، متمرکز شود؛ بدین منظور به‌جای پیشینه‌سازی قدرت نسبی و موازنه قوا، بر امنیت نسبی و موازنه تهدید تأکید دارند.

.....  
1. Robert Jervis  
2. Stephen Walt

## ب- شکاف های اجتماعی عراق

مفهوم شکاف اجتماعی با تجزیه و تقسیم جمعیت و تکوین گروه بندی های مختلف در یک کشور ارتباط دارد؛ این گروه بندی ها ممکن است که سازمان سیاسی پیداکنند. قاعده کلی جامعه شناسی سیاسی، این است که زندگی سیاسی در کشورها به شیوه های مختلف، تحت تأثیر نحوه صورت بندی شکاف های اجتماعی، تنوع جامعه شناسی سیاسی کشورها را موجب می شود؛ در بررسی این شکاف ها باید به تنوع های تاریخی و جغرافیایی توجه داشت. نوع، شمار و نحوه صورت بندی شکاف ها بر حسب عوامل گوناگون از جامعه ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر تغییر می کند (بشیریه، ۱۳۷۴: ۹۹ و ۱۰۰). عراق کنونی، تحت قیومیت انگلستان، در سال ۱۹۲۰ از ترکیب استان های بصره، موصل و بغداد پایه گذاری شد و در ۱۹۳۲ به استقلال رسید. در اینجا شکاف های اجتماعی به عدم تجانس اجتماعی جامعه عراق اشاره دارد و فقط شکاف های مذهبی و قومی را در بر می گیرد.

### ۱- شکاف مذهبی

هرچند ملت های نو، جماعتی سرزمینی هستند که مذهب، عامل عینی شکل گیری آنها نیست، یگانگی دینی، عاملی مهم در پیوند و همبستگی ملت به شمار می رود (عالم، ۱۳۸۶: ۱۵۵). دین، عامل اصلی شکل دهنده فرهنگ و هویت جمعی در خاورمیانه است (منصوری مقدم، ۱۳۹۱: ۸۴). تحقیق ها از روند رو به گسترش نقش مذهب به منزله نیروی اجتماعی - سیاسی فعال در مناطق دارای بافت اجتماعی همسان مذهبی به ویژه در تصمیم گیری های داخلی و خارجی حکایت دارند (سرخیل، ۱۳۹۱: ۶۹۲ و ۶۹۳). براساس آمار سال ۲۰۱۳، شیعیان ۷۰ تا ۷۵ درصد و سنی ها ۳۰ تا ۳۵ درصد جمعیت عراق را شامل می شوند (PEW, 2013). شیعیان در مناطقی مانند بصره، عماره، ذیقار، سماوه، قادسیه، کربلا، نجف، دیاله، بابل، کاظمین و سامرا در اکثریت اند. یک سوم از جمعیت ترکمن ها و بخشی از کردهای عراق، شیعه هستند؛ سنی ها نیز در صلاح الدین، الانبار، نینوا، بعقوبه، تکریت، موصل، الرمادی، فلوجه و بغداد در اکثریت اند. شکاف مذهبی به رقابت دیرپای شیعیان و سنی ها در قدرت اشاره دارد و به ابتدای استقلال عراق برمی گردد.

سنی ها در نظام های پادشاهی و جمهوری، شیعیان را از قدرت محروم ساخته، بر ارتش، سیاست و اقتصاد عراق، مسلط شدند. در دوره صدام، محتوای سنی و فرقه گرایانه ناسیونالیسم عربی، شیعه را به عنوان دشمن و عامل نفوذ پارسی ها، از امتیازهای سیاسی - اقتصادی محروم و هویت و نمادهای

شیعی را سرکوب کرد؛ ادامه این روند از دهه ۱۹۷۰، موجب فعال‌شدن شیعیان و توجه آنها به سیاست، قدرت و مبارزه با رژیم بعث شد (خسروی، ۱۳۸۹: ۶۷)؛ درمقابل، قانون اساسی جدید با رعایت حقوق شیعیان، به‌جای هویت عربی- سنی، بر هویت دینی (شیعی) عراق تأکید می‌کند. طبق ماده ۱۰، دولت باید از عتبات مقدسه به‌عنوان هویت دینی و فرهنگی کشور حمایت کند؛ ماده ۴۰ و بند اول ماده ۴۱ نیز با حمایت از آزادی عقیده، به‌طور مشخص بر «تضمین انجام مراسم حسینی» تأکید می‌کنند (قانون اساسی عراق، ۱۳۸۴)؛ با این تعابیر به‌نظر می‌رسد که شکاف مذهبی در این دوره نیز استمرار داشته‌است.

## ۲- شکاف قومی- زبانی

شکاف اجتماعی دیگر عراق از نوع قومی- زبانی است؛ دولت‌های درگیر این تضاد، بیش از فعالیت‌های توسعه انسانی، هزینه‌های خود را برای برقراری نظم داخلی و سرکوب شورشیان صرف می‌کنند؛ الگو منازعه آنها نیز بیشتر جنگ داخلی است (موتقی، ۱۳۸۸: ۳۲۱). مفهوم قومیت، جوهری مانند نام، سرزمین، فضاهای زیستی، رسوم و ارزش‌ها و احساس مشترک را دربرمی‌گیرد (مهری‌کارنامی، ۱۳۸۸)؛ همچنین وابستگی‌هایی نزدیک، میان ملت و زبان وجود دارند. زبان، صرف وجود واژه‌ها نیست؛ هر واژه دارای باری خاص از تداعی معانی است که با احساسات پیوند دارد و اندیشه را برمی‌انگیزد؛ قفل تداعی‌های این احساسات و اندیشه‌ها را باید با کلید زبان باز کرد (عالم، ۱۳۸۶: ۱۵۵ و ۱۵۶).

شکاف قومی در عراق در سطح اکثریت ۷۵ درصدی عرب و اقلیت غیرعرب به‌ویژه ۱۵ تا ۲۰ درصدی کرد و اقلیت‌های یزیدی (ایزدی)،<sup>۱</sup> ترکمن،<sup>۲</sup> کاکایی،<sup>۳</sup> شبک<sup>۴</sup> و صابئین ماندایی<sup>۵</sup> جریان دارد (Unpo, 2013)؛ این شکاف به‌صورت ساختار جمعیتی ناهمگون در بیشتر نقاط دیده می‌شود؛ به‌استثنای قسمت‌هایی در شمال و جنوب که اکراد و اعراب شیعه در اکثریت هستند، سایر مناطق جمعیت ناهمگون دارد که می‌توان به ترکیب جمعیتی عرب‌ها، کردها و ترکمن‌ها در کرکوک و موصل و ترکیب جمعیتی اعراب سنی و شیعه در بغداد، دیاله و بابل اشاره کرد (سردارنیا، ۱۳۹۱)؛ در این

1. Yezidi
2. Turkoman
3. Kaka'i
4. Shabak
5. Sabian Mandaean

دوره، همچنین زبان‌های عربی و کردی در عراق رسمیت یافتند و عراقی‌ها می‌توانند طبق اصول آموزش، زبان‌های مادری را در مؤسسات آموزشی آموزش دهند.

یک دلیل گستردگی این شکاف، ساختار قبایلی عراق است که شامل حدود دوهزار (۲۰۰۰) طایفه و ۱۵۰ قبیله است؛ سه‌چهارم جمعیت عراق نیز در قالب این ساختار زندگی می‌کنند. دولت‌های حاکم در سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸، مروج این ساختار بودند؛ صدام نیز ابتدا با این تصور که نظام قبیله‌ای، در تضاد با ناسیونالیسم عربی است، این ساختار را نادیده گرفت اما در دهه ۱۹۸۰ به دلیل نیاز به قبایل برای بسیج مردمی ضد ایران، به تقویت آن پرداخت (Noorbakhsh, 2008)؛ در دولت جدید نیز، عشایر به‌گونه‌ای بارز در توازن قدرت، حمایت از مرجعیت تشیع و ایجاد نیروی شوراها بیداری در مقابله با تروریسم نقش داشته‌اند (محق و عالی، ۱۳۸۸: ۷۷).

جلوه آشکار این شکاف، منازعات کردها و اعراب است. صرف ایجاد عراق به معنی نفی آرزوی کردها برای تشکیل کشور مستقل بود؛ بنابراین ملی‌گرایی کرد و ملی‌گرایی عراقی از ابتدا در تضاد با هم بودند. عملکرد موفق اعراب سنی در محدودکردن حوزه مانور کردها در زمینه‌های فرهنگی، زبانی و تمرکززدایی، کردها را به یکی از منابع بی‌ثباتی و خشونت تبدیل کرد (درخشه و ملکی، ۱۳۹۳: ۹۷ و ۹۸)؛ پس از ۲۰۰۳ نیز به‌رغم ممنوع‌بودن فعالیت گروه‌های با خط‌مشی نژادی - بعثی و برابری همه عراقی‌ها طبق ماده ۱۴ قانون اساسی، [همچنان] اختلاف‌های دولت مرکزی و اقلیم کردستان در گسترش مرزهای منطقه فدرال، تداخل حوزه وظایف، نفت و آینده کرکوک، باقی است.

### ۳- شکاف اکثریت مسلمان و اقلیت ارمنی و آشوری

عراق از شکاف اکثریت مسلمان و اقلیت غیرمسلمان ارمنی و آشوری نیز رنج می‌برد (سردارنیا، ۱۳۹۱:). براساس آمار، حدود ۹۹ درصد عراقی‌ها مسلمان هستند (U.S. Census Bureau, 2015). علاوه بر ارمنه و آشوریان، یهودیان و زرتشتی‌ها نیز در عراق سکونت دارند؛ وجه بارز زندگی این اقلیت‌ها به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۴، کاهش چشمگیر جمعیت آنان به‌واسطه افزایش خشونت‌هاست. جمعیت ارمنه و آشوریان از بیش از یک‌میلیون نفر در سال ۲۰۰۳، به کمتر از پانصد هزار نفر در سال ۲۰۱۴ رسید (Minority Rights Group International, 2014). جمعیت شبکه‌ها به یک‌دوم، ترکمن‌ها به یک‌چهارم، صابئین به یک‌هفتم و کردهای فیلی به یک‌سوم کاهش یافته‌است (Cordesman, 2015: 22)؛ در مجموع، شکاف‌های اجتماعی عراق برآیند ساختار نامتجانس این کشور است که در سیاست-

های متضاد دولت‌های حاکم ریشه‌دارد؛ برای نمونه، ناسیونالیسم عربی همگون‌ساز صدام، حاصلی جز گسترش ملی‌گرایی قومی میان اکراد و آگاهی شیعیان نسبت به حقوق خود در پی نداشت.

### ج- شکاف‌های اجتماعی و ظهور گروه‌های تروریستی در عراق

عراق به‌رغم تشکیل دولت جدید، عرصه حملات تروریستی است که بخش اعظم آن از تأثیر شکاف مذهبی شیعه- سنی و فرقه‌گرایی دولت‌های حاکم نشأت می‌گیرد (Charountaki, 2012). دولت جدید پس از اشغال، بر تحقق حکمرانی کارآمد، کسب اعتماد و حمایت عمومی، ایجاد امنیت و خدمات‌رسانی اهتمام‌ورزید. ابتدا دولت موقت با فراهم‌آوردن صندوق اعتبارات بازسازی، ۱۸ میلیارد دلار به‌منظور بهبود وضعیت معیشتی مردم هزینه‌کرد. دولت از ابتدا برای اجرای طرح حکمرانی محلی از طریق تشکیل شوراهای نمایندگی محلی کوشید؛ ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که عملکرد این شوراها در سیزده استان از هجده استان به دلیل همگونی مذهبی در تعدیل کشمکش‌ها به‌نسبت مؤثر بوده، اما در پنج استان نینوا، کرکوک، الانبار، دیاله و بغداد به دلیل ناهمگونی نتوانست مانع خشونت‌های قومی- مذهبی شود (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۲۵ تا ۲۸)؛ درعین‌حال، این خشونت‌ها با انحلال ارتش و سازمان‌های بعثی، تأثیری عمده بر مناطق سنی‌نشین مانند تکریت، رمادی و فلوجه داشته‌است. سنی‌ها در اعتراض به کاهش قدرت، امتیازها و حجم عظیم بیکاری پس از صدام و تسلط شیعیان و اکراد بر دولت، نارضایتی خود را با عدم مشارکت در روند سیاسی و تشکیل گروه‌های افراطی نشان داده‌اند (Al-Qarawee, 2014)؛ درحالی‌که مناطق شیعه‌نشین جنوب با ساختار سنتی و عشیره‌ای، کمتر به تنش دچار شده‌اند. دولت با تشکیل کمیته بعثی‌زدایی در پی نابودی بازمانده‌های بعثی در ارگان‌ها و مناطق غربی برآمد اما این عناصر با کمک القاعده و نفوذ در یگان‌های ارتش به فعالیت خود ادامه داده‌اند (محق و عالی، ۱۳۸۸: ۲۰ و Katzman, 2013).

شکل بارز افراط‌گرایی در عراق، تعداد زیاد جان‌باختگان در طول این سال‌هاست. طبق آمار مؤسسه<sup>۱</sup> IBC تعداد قربانیان خشونت‌های عراق از سال ۲۰۰۳ تا جولای ۲۰۱۵، بیش از ۱۶۵۰۰۰ نفر است که کمترین تعداد در سال ۲۰۱۰ با بیش از چهارهزار (۴۰۰۰) و بیشترین در سال ۲۰۰۶ با بیش از ۲۹۰۰۰ نفر است (www.iraqbodycount.org). استان‌های دیاله، صلاح‌الدین، الانبار و نینوا به‌ترتیب، بیشترین قربانیان را داشته‌اند (Cordeman, 2015)؛ عامل اساسی این وضعیت، گروه‌های

1. Iraq body Count



تروریستی نظیر داعش، انصارالاسلام، مجلس شورای مجاهدین، ارتش اسلامی، جیش الفاتحین و ... است (Cordesman and Khazai, 2014: 176). طبق آمار گروه بررسی‌های اطلاعاتی «سوفان»، اعضای گروه‌های تروریستی عراق و سوریه، اتباع ۶۶ کشور را دربرمی‌گیرد (Sofan Group, 2015). در این میان، داعش، منسجم‌ترین گروه تروریستی عراق است که در سال ۲۰۱۴ با استفاده از ناکارآمدی نیروهای نظامی، بخش‌هایی وسیع از عراق را تصرف کرد؛ این گروه، به رهبری ابوبکر البغدادی، با افراد جدا شده از القاعده تأسیس شد و اکنون علاوه بر سوریه و عراق، کنترل بخش‌هایی از لیبی، نیجریه و افغانستان را نیز در دست دارد (شیروودی، ۱۳۹۴: ۸۲). داعش که سی تا چهل هزار نفر از اعضای آن، سنی‌های عراقی هستند (سمیعی و شفیعی، ۱۳۹۴: ۲۰۸)، در اوایل سال ۲۰۱۴ از مرز سوریه به عراق وارد شد و در مدتی کوتاه، چهار استان الانبار، صلاح‌الدین، نینوا و بابل را اشغال کرد.

## د- ملاحظات جدید سیاست خارجی ایران در عراق در شرایط ظهور داعش

ایران با بیش از ۱۶۰۰ کیلومتر، بیشترین مرز را در میان همسایگان با عراق دارد (الهی، ۱۳۸۷: ۸۰). شکاف‌های اجتماعی عراق در پی بحران ۲۰۱۴ و ظهور داعش، تحولاتی هستند که طی دو سال اخیر، سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند؛ در این راستا سیاست قاطع ایران از ابتدا بر محور حمایت از وحدت سرزمینی، ایجاد ثبات سیاسی و ارسال کمک‌های مستشاری در عراق قرار گرفت و مقام‌های ایرانی در دیدار با سران دولت عراق مانند حیدر العبادی نخست‌وزیر، امنیت عراق را برای ایران، بسیار مهم و تفکیک‌ناپذیر ارزیابی کردند. مهم‌ترین پیامدهای بحران ۲۰۱۴ عراق بر سیاست خارجی ایران در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در زیر بررسی می‌شوند:

### ۱- سطح داخل

#### ۱-۱- تعمیق شکاف شیعه و سنی

اختلاف‌افکنی مذهبی، یکی از ابزارهای اصلی گروه‌های تروریستی مانند داعش برای پیشبرد مقاصد خویش است که وجود دولت‌های ضعیف، آن را تقویت می‌کند؛ این گروه‌ها از طریق بمب‌گذاری، حملات انتحاری به مراکز سیاسی و مذهبی و ترور شخصیت‌های مهم سعی می‌کنند به هدف اصلی خود در جلوگیری از تشکیل دولت به رهبری شیعیان و دامن زدن به اختلاف‌های

مذهبی دست‌یابند. از نظر /بومصعب/الزرقاوی، فرمانده سابق القاعده عراق که به پدر داعش معروف است، مقابله با شیعیان بر مبارزه با صلیبی‌ها ارجحیت دارد: «دشمنان ما در عراق چهار گروه‌اند: آمریکایی‌ها، کردها، وابستگان دولت عراق و شیعیان؛ گروه اخیر، کلید تحولات سیاسی عراق هستند. اگر ما عمق دینی، سیاسی و نظامی آنها را هدف قراردهیم، آنها نیز تحریک‌می‌شوند و خوی وحشی‌گری خود را به اهل سنت نشان‌می‌دهند، اگر در این طرح موفق شویم، توانسته‌ایم اهل سنت غافل را نسبت‌به این گروه آگاه‌سازیم» (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

داعش، برخلاف القاعده که دشمن اصلی خود را غرب می‌داند، بر شیعیان، متمرکز است. دشمنی آنها با ایران، بسیار بارز است؛ داعش، ارتش عراق را «جیش‌الصفویه» و فاقد هویت عربی می‌نامد. کمپته شرعی داعش اعلام کرد که رافضی‌ها مشرک و مرتد هستند. کفر مرتدین از کفر اصلی، بدتر است لذا جنگ با مرتدین از کفار اصلی، واجب‌تر است» (زارعان، ۱۳۹۳: ۸۰).

ترکیب جمعیتی موزاییکی و سیاست‌گذاری نادرست اعمالی در عراق در دوره مالکی نیز، به گروه‌های تروریستی امکان‌داد تا پایگاهی گسترده در میان اعراب سنی به‌دست‌آورند. در سال‌های پس از ۲۰۰۳ با وجود حاکمیت ساختارهای دموکراتیک در عراق، ناکارآمدی دولت، «اعتراض مردم استان‌های شمال و شمال‌غرب» را ضد به‌حاشیه‌راندن سنی‌ها در پی داشت. عراق از لحاظ شاخص‌های توسعه انسانی در میان ۱۸۷ کشور، رتبه ۱۲۰ را دارد (Undp, 2015)؛ به‌علاوه، وجود انسداد سیاسی و سیاست‌های تبعیضی در عراق، همانند اخوان‌المسلمین سوریه در سال ۱۹۸۲، سنی‌های عراق را نیز به پیوستن به گروه‌های افراطی سوق داده‌است.

تبلیغات و اقدام‌های داعش در جهت القای چهره‌ای الهام‌بخش از اسلام که تداعی‌گر خلافت صدر اسلام باشد، توانست برخی جوانان سنی را جذب‌کند (زارعان، ۱۳۹۳: ۷۵). توان داعش در جذب حمایت سنی‌ها در بحران سال ۲۰۱۴ موجب شد تا پیش از کنترل موصل، شهرهای فلوجه و چند شهر دیگر را که تنها ۵۰ تا ۱۰۰ کیلومتر با بغداد فاصله داشتند، تصرف‌کنند؛ به‌عبارتی، داعش توانست پیش از سقوط موصل، آن را از سایر مناطق عراق جداکند (صالحی و مرادی‌نیاز، ۱۳۹۴: ۱۱۵). شکاف شیعه- سنی و حضور داعش در جامعه چندپاره عراق، برای سیاست خارجی ایران پیامدهایی داشته‌است؛ از طرفی، تلاش شیعیان در تحکیم نهادها و ساختارهای دموکراتیک در برگیرنده تمامی گروه‌های عراقی و حفظ یک‌پارچگی، امنیت و ثبات سیاسی عراق را بی‌اثر می‌کند؛ این مسئله، ایران را که در یک دهه گذشته سعی کرده‌است تا از ظرفیت‌های شیعیان و حفظ تمامیت ارضی عراق،

برای درامان ماندن از ناامنی های این کشور استفاده کند (Barzegar, 2010: 177-178)، در تنگنای امنیتی قرار می دهد؛ همچنین به رغم تصور رایج که شیعیان پس از تثبیت موقعیت خود در عراق، روابط خود با ایران را در قالب های ملی ادامه می دهند، ظهور داعش و گروه هایی از این دست، وابستگی بیشتر آنها به ایران را در بازی قدرت درون عراق، موجب می شود.

#### ۱-۲- احتمال تجزیه عراق و مسائل قومیت

در حالت کلی، هر تغییری در ژئوپلیتیک قومی کشورهای همسایه، بر بافت قومی ایران نیز مؤثر است. شکاف های اجتماعی عراق و حفظ تعادل میان هویت های مستقل کرد، سنی و شیعه در مناطق شمالی، میانی و جنوبی، همواره برای سیاست خارجی ایران چالش بوده است. تجزیه عراق به مناطق شیعی، سنی و کرد سال هاست که در قالب های مختلف مانند طرح خاورمیانه بزرگ و نظایر آن مطرح است؛ این موضوع در بحران ۲۰۱۴، بدین دلیل قوت گرفته است که نمود اولیه عدم توازن ناشی از ظهور داعش در خاورمیانه، «تغییرهای ژئوپلیتیکی منطقه» است. تسلط داعش بر ۴۰ تا ۵۰ درصد از خاک عراق در سال ۲۰۱۴ (Gunter, 2014: 1)، ژئوپلیتیک نوینی را در منطقه ایجاد کرده، از ورود کنش گران جدید به عرصه خاورمیانه حکایت دارد.

تضعیف دولت مرکزی عراق در سال های اخیر و تقویت پایگاه گروه های قومی در کنار توسعه ارضی داعش با کنترل بخش اعظم استان الانبار و شهر موصل، مرز ملی عراق و سوریه را به کلی دگرگون کرده است؛ به علاوه، موفقیت کردها در مهار پیشروی داعش، وزن سیاسی و نظامی آنها را در معادلات خاورمیانه بالا برده است. کردها در شرایط جدید عراق، تا حد امکان تلاش کرده اند نفوذ سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی خود را تقویت کنند. مناطق تحت کنترل اقلیم کردستان به طور تقریبی دوبرابر شده که از لحاظ راهبردی (استراتژیکی) به دلیل تصرف استان کرکوک و منابع عظیم انرژی آن، حیاتی است؛ بحران داعش، همچنین نه تنها کاهش تولید نفت این منطقه را موجب نشده، آن را تسریع کرده است (صالحی و مرادی نیاز، ۱۳۹۴: ۱۱۵ تا ۱۲۱).

تجزیه ارضی عراق، دو پیامد اصلی برای ایران دارد: ابتدا، استقلال کردستان که به معنای تثبیت هارتلند و عمق راهبرد (استراتژیکی) اقلیت تجزیه طلبان ایرانی است؛ هرچند بخشی از این گرایش تجزیه طلبانه در سیاست های نادرست داخلی ریشه دارد، بخش اعظم آن، از عوامل بیرونی، منبعت است. تشکیل کشور مستقل کردستان به معنی وجود همسایه ای ناهمساز است که بخش زیادی از توان

بازدارندگی ایران باید برای مهار آن صرف‌شود؛ در واقع، کردستان مستقل تهدیدی وجودی<sup>۱</sup> برای ایران خواهد بود. پرواضح است که یک دولت شکست‌خورده<sup>۲</sup> بر این منطقه حاکمیت‌خواهدیافت که مسئولیت‌پذیری آن در قبال امنیت مرزهای ایران، حداقل خواهد بود (امیدی، ۱۳۹۳)؛ مسئله بعدی، تثبیت موقعیت داعش و تشکیل دولت مستقل توسط آن است که به واسطه گستره ارضی که برای خود تعریف کرده، می‌تواند ضمن تبدیل منطقه به محل تولید تروریسم، ایران را با تهدید وجودی مواجه کند. به‌طور طبیعی، حفظ عراق یک پارچه، مهم‌ترین مسئله مؤثر بر روابط آتی دو کشور است.

## ۲- سطح منطقه‌ای

### ۲-۱- شکاف در ژئوپلیتیک شیعی و محور مقاومت

در تحلیل تأثیر نهضت‌های شیعی در سطح منطقه، مسئله عمده، قدرت تأثیرگذاری جامعه شیعیان بر سیاست‌ها و تحولات منطقه است. ایران با بیش از ۹۰ درصد، بیشترین جمعیت شیعی را دارد (Pewforum, 2009: 3-4) و حدود ۶۰ درصد منابع انرژی منطقه نیز در مناطق شیعه‌نشین قرار دارد (Leigh, 2008: 3). ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف با هارتلندی ایران است. بهره‌گیری از ژئوپلیتیک شیعی به معنای سیاست خارجی ایدئولوژیک نیست، مقصود، ایجاد روابط دوستانه با دولت‌های ملی و گروه‌های سیاسی هم‌گرا برای تأمین منافع و امنیت ملی ایران است؛ هرچند ایران با اهل تسنن نیز رابطه‌ای ویژه دارد که حماس، نمونه شاخص آن است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۸ و پورحسن، ۱۳۹۳). عراق کانون اصلی سیاست خارجی ژئوپلیتیک‌محور ایران است. سقوط موصل و بخشی بزرگ از الانبار، زمینه را برای طرح نهایی داعش، یعنی تأسیس خلافت اسلامی خودخوانده مهیا کرد. از اصلی‌ترین اهداف داعش که در بیانیه‌های آن نیز منعکس شده، تغییر نقشه جغرافیایی منطقه است (صالحی و مرادی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

داعش با هدف گرفتن مرزهای ملی که گروه‌های قومی در اطراف آن گسترده هستند، تهدید بالفعلی برای ژئوپلیتیک شیعی است. تأکید داعش بر اختلاف ریشه‌دار مذهبی با شیعه ایرانی و نشان دادن خطر آن در هلال شیعه، زمینه‌های جذب نیرو و امکانات را شکل می‌دهد. ورود حزب‌الله در مبارزه با داعش، عناد آنان را نسبت به محور مقاومت تشدید کرده است (شیرودی، ۱۳۹۴: ۹۴). جرح

1. Existential threat
2. Failed State

فریدمن،<sup>۱</sup> مدیر اندیشکده اسرافتور<sup>۲</sup> معتقد است داعش، علاوه بر بعد تروریستی، قدرتی متمرکز است که برای بسط ژئوپلیتیک قلمرو خود توانایی دارد؛ وی معتقد است که از نظر ایران، داعش، دارای این توان است که دولت بغداد را سرنگون کند و موقعیت ایران را در عراق با چالش مواجه سازد؛ بنابراین تسلط داعش حتی بر بخش هایی کوچک از عراق هم برای ایران، پذیرفتنی نیست (فریدمن، ۱۳۹۳).

داعش، نشانه غلبه دشمن درون دینی مسلمانان بر دشمن خارجی است. گروه های تکفیری با تبدیل دشمن برون دینی به دشمن درون دینی، جهان اسلام را از درون به چالش طلبیده اند. تکفیری ها با تقسیم دشمنان خود به دور و نزدیک، شیعیان و اهل سنت را دشمن نزدیک می دانند. یک هدف این طرح (ایده)، تضعیف محور مقاومت در منطقه است. مناطقی تحت تصرف داعش، ارتباط فیزیکی ایران با محور مقاومت و عمق استراتژیک ایران از عراق تا لبنان را هدف قرار داده است (پورحسن، ۱۳۹۳:۱)؛ مانند شهرهای اطراف رود فرات، نظیر حدیثه، قائم و بخشی از جاده بغداد-رمادی که در نزدیک مرز سوریه قرار دارد.

## ۲-۲- تهدید محیط امنیتی منطقه ای و دفاع فعال تهاجمی ایران

محیط امنیتی کشورها محصول تعامل عوامل متعدد است که در مجموع، ساختار و موازنه قدرت را شکل می دهند؛ این محیط عوامل قدرت و ضعف، تهدید و فرصت یک کشور را تعیین می کند و از خود آن کشور نیز تأثیر می پذیرد (امینان، ۱۳۹۰: ۶)؛ سیاست دفاعی دولت نیز واکنشی است به تهدیدهای برخاسته از محیط امنیتی خود و بسته به اهداف، منافع، ارزش های اساسی و میزان گستره این محیط، متفاوت است و باعث می شود هر دولت، محیط امنیتی خود را در عرصه های جهانی، منطقه ای یا به طور صرف، داخلی تعریف کند (کرمی، ۱۳۸۰: ۴۷).

محیط امنیتی منطقه ای، عرصه نزدیک و تأثیرگذار دولت است و مجموعه ای از بازیگران دولتی و غیردولتی را دربرمی گیرد. مجاورت جغرافیایی در کنار قابلیت های تهاجمی و ایدئولوژیکی از اصلی ترین متغیرهای مؤثر بر درک دولت ها از تهدیدهای امنیتی این محیط است (اسدی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)؛ بازیگران موجود در این محیط به حلقه های فوری و غیرفوری تقسیم می شوند. درخصوص ایران، کشورهای همسایه، منطقه قفقاز و خلیج فارس، حلقه فوری و کشورها و مناطقی مانند سوریه، لبنان،

1 . George Friedman

2. Stratfor

اردن، فلسطین و آسیای مرکزی، حلقه غیرفوری امنیتی ایران هستند.

شرط توازن امنیت در محیط منطقه‌ای، معادله امنیتی «برد-برد» است لذا برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای ایران به‌ویژه حضور آمریکا، یک پایه اصلی راهبرد دفاعی ایران بر «راهبرد امنیت به‌هم-پیوسته»، استوار شده‌است؛ در چارچوب این راهبرد، هرگونه ایجاد ناامنی برای ایران، به معنای ناامنی برای منطقه است و رفع تهدیدهای امنیتی ایران، مهم‌ترین اصل ثبات‌سازی در منطقه به‌شمار می‌آید؛ هدف اصلی این راهبرد، قبول نقش ایران از سوی آمریکا و بازی برد-برد در معادلات امنیت منطقه‌ای است. متغیر مهم راهبرد امنیت به‌هم‌پیوسته، «دفاع فعال تهاجمی» و حضور فعال ایران در تحرک‌های سیاسی - امنیتی حلقه امنیتی فوری است (برزگر، ۱۳۸۸): که بر لزوم مقابله با بی‌ثباتی و پیشگیری از تهدیدهای امنیتی آینده تأکید دارد.

ظهور داعش، تهدیدی عمده برای حلقه فوری امنیتی ایران است که در ابتدای سال ۲۰۱۵، تا ۵۰ کیلومتری مرزهای غربی ایران در نزدیکی شهرهای جلولو و سعدیه در استان دیاله نفوذ کرد. طبیعی است که ایران به‌انتظار نمی‌نشیند تا به حمله داعش به مرزهایش پاسخ دهد بلکه سعی می‌کند با ایجاد عمق راهبرد (استراتژیک) لازم، خط مقدم‌های خود در مقابل داعش را تا استحکام محور مقاومت و تقویت بیداری اسلامی گسترش دهد؛ لذا، مقابله کنونی ایران با داعش، عمیق‌تر از مجادله با طالبان است؛ زیرا طالبان هدف خود را در مبارزه با کفر می‌بیند اما داعش، شیعه را دشمن اصلی می‌داند (شیرودی، ۱۳۹۴: ۹۱)؛ بدین لحاظ، دفاع فعال ایران در بحران ۲۰۱۴ با حضور استراتژیست‌های نظامی و ایفای نقش مستشاری و هدایت عملیات تحقق‌یافت. حمایت از دولت‌های عراق و سوریه از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکرد سیاسی - امنیتی ایران در خاورمیانه است. ایران پس از چند دهه حمایت از این نظام‌ها، نباید به‌راحتی آنها را از دست بدهد. راهبرد ایران در مساعدت‌های مستشاری به ارتش عراق در قالب ارتقای تحرک بسیج مردمی «حشدالشعبی» با نقش بارز «سردار سلیمانی» با موفقیت همراه بوده‌است (نیاکوئی و مرادی کلارده، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

### ۲-۳- شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای ضد ایران با محور تروریسم

نواقع‌گرایان تدافعی، موازنه تهدید را انعکاس شرایط آنارشیک و تغییرپذیر بین‌المللی می‌دانند. از نظر *والت*، هرگونه ائتلافی به همکاری‌های منطقه‌ای و احساس تهدید مشترک، نیازمند است. اقدام‌های ایران در حفظ محور مقاومت و تلاش‌های محور غربی - عربی ضد ایران و مهار جنبش‌های

شیعی، باعث شده که ائتلافی میان عربستان، ترکیه و اسرائیل بر محور گروه‌های تروریستی در عراق با هدف مهار ایران شکل بگیرد. عربستان، آشخور اصلی گروه‌های تروریستی در عالم اسلام است و برای تصاحب رهبری جهان اسلام، برای جایگزینی نظم وهابی در منطقه می‌کوشد. ریاض تلاش می‌کند از وهابیت که مذهب رسمی این کشور است (حلبی، ۱۳۸۸: ۹۲)، به‌عنوان ابزار دستیابی به اهداف سیاست خارجی استفاده کند. اصل تکفیر به‌عنوان منشأ مشروعیت وهابیت (Ibrahim, 2006: 20)، مهم‌ترین مبنای برای جنایات گروه‌هایی مانند داعش فراهم می‌کند. عربستان متعاقب بهار عربی، به انحای مختلف تلاش کرد که جایگاه شیعیان را در عراق مخدوش سازد. مقابله و مخالفت با تحرک بسیج مردمی، فشار به غرب و دولت عراق در عدم بهره‌گیری از حشدالشعبی و حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی از جریان‌های تکفیری، بخشی از اقدام‌های عربستان متعاقب تحولات اخیر بوده است. بسیاری بر این نظرند که ارتش عراق به‌تنهایی، گسیخته و ناتوان است و بدون نیروهای حشدالشعبی و نقش ایران، قادر نیست که با داعش مقابله کند با این حال، فشار زیاد ریاض و کشورهای دیگر عربی به غرب و برخی دولت‌مردان عراقی، باعث تأخیر در عملیات آزادسازی تکریت و عدم نقش‌آفرینی نیروهای شیعه در الرمادی شد که به سقوط این شهر به دست داعش در اردیبهشت ۱۳۹۴ انجامید (نیاکوئی و مرادی کلارده، ۱۳۹۴: ۱۴۸ و ۱۴۹).

ترکیه، کشور دیگر حاضر در این ائتلاف است. سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق به دو مرحله پیش و پس از سال ۲۰۱۰ تقسیم می‌شود. از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، راهبرد ترکیه بر مبنای توسعه روابط با همسایگان به‌عنوان اصل اساسی نوعثمانی‌گری استوار بود و ترکیه، سیاستی متعادل در قبال جریان‌های داخلی عراق را مدنظر داشت (Davoutoglu, 2008, 81-82) اما پس از انتخابات ۲۰۱۰ و فرایند طولانی تشکیل دولت، ترکیه با حمایت از گروه‌های سنی، در صدد استفاده از فضای واگرایانه به نفع خویش برآمد (Katzman, 2013: 33). سیاست خارجی ترکیه به‌رغم تفاوت ساختاری با عربستان در حمایت از نظم‌های متضاد اخوانی-سلفی در بهار عربی، در عراق و سوریه به سمت تشکیل بلوک سنی به‌همراه عربستان و کشورهای عرب در مقابل ایران سوق یافته است. ترکیه و عربستان در عراق درخصوص هم‌گرایی دولت شیعی با ایران و آنچه فرقه‌گرایی در دولت عراق در برخورد با گروه‌های سنی می‌خوانند، اتفاق نظر دارند (Ataman, 2012). تشکیل گروه ارتش آزاد عراق، متشکل از بازماندگان ارتش بعثی، اقدام ترکیه در جهت بی‌ثباتی عراق است. ترکیه در محاصره شیعیان ترکمن عراقی در شهر آمرلی توسط داعش، فقط نقش نظاره‌گر را ایفا کرد. برخی بر این نظرند که ترکیه می‌

کوشد با استقرار نظامیان خود در منطقه کردستان عراق و ایجاد مناطق حائل با حمایت غرب، شرایط انضمام این مناطق به‌ویژه کرکوک را به سرزمین خود فراهم‌سازد. ترکیه، یکی از خریداران نفت داعش نیز به‌شمار می‌رود و این گروه نفت استخراجی در عراق و سوریه را با قیمت نازل ۲۵ دلار در بشکه به ترکیه می‌فروشد (RT, 20/12/2015). در مجموع می‌توان گفت که استمرار وجود چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، موجب شده‌است تا این کشور با کنارنهادن راهبرد، مشکلات صفر با همسایگان به یکی از مهم‌ترین حامیان گروه‌های تروریستی نظیر داعش تبدیل شود.

ضلع سوم این ائتلاف، اسرائیل است. نویسنده **امپراتوری شیطنی** درباره روابط عربستان-اسرائیل می‌نویسد: «دشمنی اسرائیل تقریباً متوقف شده‌است و شاید تبدیل به یک متحد شود» (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۲). اسرائیل بیشترین نفع را از تجزیه دولتهایی بزرگ مانند عراق و سوریه و درگیری داخلی کشورهای اسلامی می‌برد. در عراق برقراری ثبات به دلیل تثبیت قدرت گروه‌های شیعی، امنیت مرزهای ایران و مهار گرایش‌گریز از مرکز کردها، برای اسرائیل قابل قبول نیست (Shay, 2014). مقام‌های ارشد داعش نیز، به‌صراحت، اسرائیل را دشمن دور خود معرفی کرده‌اند. داعش ضمن محکوم کردن روز جهانی قدس، در خلال جنگ ۵۱ روزه اسرائیل ضد فلسطین در نوار غزه، در پاسخ به این پرسش که چرا به کمک مردم غزه نمی‌رود، در پیامی اینترنتی اعلام کرد که خداوند متعال در قرآن، از دشمن نزدیک یعنی منافقان سخن گفته، بیان می‌کند که خطر آنها از کافران اصلی بیشتر است (پورحسن، ۱۳۹۳). در افق اندیشه داعش، مقابله محور مقاومت با اسرائیل، جنگی ملی برای بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته است، نه جهاد موردنظر داعش؛ این موضوع، هم تکمیلی اهداف منطقه‌ای اسرائیل و گروه‌های تکفیری را فراهم می‌آورد. تل‌آویو با آموزش، ارائه خدمات درمانی پوشش رسانه‌ای و... از داعش حمایت می‌کند؛ داعش نیز با تبدیل مناقشه صهیونیستی-اسلامی به مناقشه اسلامی-اسلامی، اهداف اسرائیل را دنبال می‌کند.

### ۳- سطح فرامنطقه‌ای

شکاف‌های اجتماعی عراق در شرایط ظهور داعش، سیاست خارجی ایران را در سطح بین‌المللی در برابر آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن قرار داده‌است. شکل‌گیری ائتلاف‌های منطقه‌ای که توضیح داده‌شد نیز در چارچوب راهبرد کلان نیابتی سیاست خارجی آمریکاست که هدف بازگشت اوضاع به پیش از جنبش‌های اجتماعی ۲۰۱۰ را دنبال می‌کند. آمریکا به‌جای حضور مستقیم می‌کوشد از طریق بسیج نیروهای اجتماعی، سازماندهی گروه‌های شبه‌نظامی و به‌کارگیری بازیگران



منطقه‌ای و گروه‌های فروملی به اجرای سیاست‌های خود پردازد. آمریکا سعی دارد از طریق بحران‌سازی و تصاعد بحران، مانند سال‌های پس از اشغال عراق از قابلیت ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک عربستان و سایر متحدان خود در حمایت از داعش برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران استفاده کند (متقی و پوستینچی، ۱۳۹۰)؛ در واقع در بحران کنونی خاورمیانه، این منازعه نیابتی، میان دو دسته بازیگران جریان دارد: نخست، آمریکا و کارگزاران منطقه‌ای آن یعنی عربستان، ترکیه، اسرائیل و گروه‌های داعش و القاعده و دوم، ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله هستند که به مقابله با سیاست‌های گروه اول می‌پردازند (هدایتی‌شهیدانی و مرادی کلارده، ۱۳۹۳: ۲۴۷).

بر این اساس، داعش در کنار تحولات داخلی عراق، ثمره به‌هم‌ریختگی نظم پیشین جهانی است. شکل و تعداد قدرت‌های جهانی پس از فروپاشی شوروی تغییر کرد که حاصل آن، تمایل آمریکا به یک‌جانبه‌گرایی در دو دهه گذشته است. تغییر در حجم و ماهیت قدرت‌ها، سرشت امنیت و منفعت را نیز دگرگون ساخته است؛ در نتیجه، بی‌ثباتی ناشی از تغییر در مؤلفه‌های بنیادین نظام بین‌الملل (قدرت، امنیت و منافع)، بی‌ثباتی را در مناطقی مانند خاورمیانه دامن زده، فرصت تحقق طرح (ایده) تاریخی گروه‌هایی نظیر داعش را در دستیابی به جایگاه مؤثر در بازی قدرت منطقه به واقعیت نزدیک کرده است (شیرودی، ۱۳۹۴: ۸۹).

در فوریه ۲۰۱۴ *روزنامه هآرتس* گزارش داد که آمریکا و متحدان منطقه‌ای اش عربستان، اردن و رژیم صهیونیستی به شورشیان داعش آموزش‌های هجومی دادند؛ یک ماه بعد در ژوئن ۲۰۱۴، داعش تسلیحات آمریکایی مانند بالگرد، تانک، نفربر و ... بسیاری را به‌غنیمت برد، درحالی‌که طبق دکترین نظامی آمریکا در صورتی که امکان حفظ تسلیحات و مهمات نظامی توسط کشور دوست وجود نداشته باشد، بایستی به تخریب و انهدام آن اقدام کرد و این در حالی بود که آمریکا نه تنها هیچ اقدامی انجام نداد، باعث شد آنها را به مکانی امن نیز منتقل کنند (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۷۴ و ۱۷۵)؛ همچنین، بخشی مهم از سلاح‌های داعش از سوی آمریکا و متحدانش تأمین می‌شود. گاه آمریکا به بهانه بمباران داعش، سلاح بر سر آنان می‌ریزد لذا نباید تعجب کرد که داعش از بیشتر سلاح‌های متعارف بهره‌مند است (شیرودی، ۱۳۹۴: ۸۵ و ۸۶).

*انخضر ابراهیمی*، نماینده وقت سازمان ملل در سوریه گفت: «داعش پسر القاعده‌ای است که *ابومصعب الزرقاوی* (در عراق) آن را رهبری می‌کرد» دلیل اصلی ظهور داعش، حمله آمریکا به عراق است که وی، آن را اشتباهی بزرگ و عامل چنددستگی این کشور دانست (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۷۴ و ۱۷۵)؛

درعین حال، ظهور داعش در عراق، آمریکا را از دو جهت به مرزهای غربی ایران نزدیک می‌کند: از طرفی، داعش در بیشتر فعالیت‌های خود به‌ویژه چالش کنونی برای دولت عراق، درصدد حفظ منافع آمریکاست و آمریکا مایل است تا این گروه را در درازمدت برای تهدید ایران حفظ کند و از طرف دیگر، حضور چندین ساله آمریکا در عراق با دستاوردی محسوس برای واشنگتن همراه نبوده، بلکه برعکس، نفوذ ایران در عراق افزایش یافته‌است؛ بنابراین، حضور داعش می‌تواند دست‌مایه حضور مجدد آمریکا در عراق به بهانه سرکوب تروریسم قرارگیرد.

### نتیجه‌گیری

بافت اجتماعی چندگانه قومی - مذهبی از دلایل اصلی ظهور داعش و سایر گروه‌های تروریستی در عراق است. در این مقاله سعی شد به این پرسش پاسخ داده شود که «شکاف‌های اجتماعی عراق چه تأثیری بر سیاست خارجی ایران در عراق در ابعاد مختلف و در شرایط ظهور داعش دارد؟». عمده‌ترین شکاف‌های اجتماعی عراق، اعم از مذهبی میان اکثریت شیعه و اقلیت سنی؛ اجتماعی و شکاف قومی - زبانی میان اکثریت عرب و اقلیت غیرعرب کرد، ترکمن و ... است که به‌صورت ساختار ناهمگن مذهبی و قومی در اغلب مناطق آن وجود دارد؛ به‌رغم اینکه زمینه ایجاد این شکاف‌ها در رژیم‌های گذشته فراهم شده اما در دولت فعلی نیز، بحران‌های سیاسی، توزیع نامناسب منابع، و ناامنی گسترده، آن را تقویت کرده‌است؛ تقویت این شکاف‌ها در این دوره، یک عامل اصلی رشد افراط‌گرایی و تروریسم در این کشور است که بر سیاست خارجی ایران در ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، اثرگذار بوده‌است.

در ابعاد داخلی، داعش با حملات تروریستی، درصدد اختلاف‌افکنی میان شیعه - سنی است که این مسئله از ضدیت آنها با شیعیان نشأت می‌گیرد شکاف شیعه - سنی از طرفی، ایران را با معضلات امنیتی مواجه می‌کند و ازسویی، درگیری بیشتر ایران در تحولات عراق، حمایت از شیعیان را در پی دارد؛ چالش دیگر ایران در این بعد، تجزیه ارضی عراق است. در حال حاضر، داعش بخش‌های زیادی از عراق را در تصرف دارد. تجزیه احتمالی عراق، دو پیامد مهم برای ایران دارد: ابتدا، تهدید وجودی ایران، از استقلال کردستان عراق، ناشی است که به تقویت گرایش تجزیه‌طلبانه در غرب ایران دامن می‌زند؛ به‌علاوه، تثبیت موقعیت داعش و تشکیل دولت مستقل آن است که به‌واسطه گستره ارضی داعش نیز، تهدید امنیتی قوی‌تری برای ایران است؛ در این بعد، تقویت سنی‌های حنفی و

شافعی در برابر سنی‌های حنبلی که گرایش وهابی‌گری بیشتری دارند و مدیریت تحولات و اقتناع کردها می‌تواند مرکز توجه ایران قرارگیرد

در بعد منطقه، اولین چالش برای ایران، شکاف در ژئوپلیتیک شیعی است که مهم‌ترین تأثیر را بر سیاست خارجی منطقه‌ای ایران دارد. طبیعی است که ادامه حضور داعش در موصل و استان الانبار به تثبیت تأسیس خلافت اسلامی خودخوانده داعش می‌انجامد؛ همچنین با مناطقی که داعش به‌ویژه در مرز سوریه در اختیار دارد، قطع ارتباط ایران با محور مقاومت، هدف قرار گرفته‌است؛ در وهله بعد، داعش، تهدیدی عمده برای حلقه فوری امنیتی ایران محسوب می‌شود که واکنش ایران را در راستای دفاع تهاجمی و حضور مستشاران نظامی ایران در عراق به‌دنبال داشته‌است؛ این راهبرد به تحرک‌بخشی شیعیان و بسیج مردمی معروف به «حشدالشعبی» منجر شده که در کنار ارتش، مانع پیشروی داعش شده‌اند. شکل‌گیری ائتلاف منطقه‌ای با محور تروریسم، تأثیر دیگر ظهور داعش در عراق چندپاره بر سیاست خارجی ایران است؛ در این راستا «مهار قدرت ایران»، عربستان، ترکیه و اسرائیل را در حمایت از داعش در کنار هم قرار داده‌است. ایران باید با ملاحظه محذوره‌های محیطی و مدیریت تحولات میدانی، به آزادسازی بخش‌های غربی عراق در مرز سوریه مبادرت ورزد.

## منابع

### ۱- منابع فارسی

- اخوان کاظمی، مسعود و پروانه عزیزی (تابستان ۱۳۹۰)؛ «ضدانقلابی‌گری در نظام بین‌الملل: مبانی تئوریک»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ سال هشتم، ش ۲۵.
- اسدی، علی‌اکبر (پاییز ۱۳۸۸)؛ «سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی؛ ش ۶۸.
- الهی، همایون (۱۳۸۷)؛ *خلیج فارس و مسائل آن*؛ ج ۱۰، تهران: نشر قومس.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۰)؛ «محیط امنیتی ایران و تحولات بیداری اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت؛ ش ۱۳.
- اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۲)؛ *منازعه راهبردی ایران و عربستان*، تهران: انتشارات اندیشکده

راهبردی تبیین

- برزگر، کیهان (۱۳۸۸): «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، *فصلنامه روابط خارجی*؛ سال اول، ش ۱.

- بشیریه، حسین (۱۳۷۴): *جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*؛ چ ۲، تهران: نشر نی.

- پورحسن، ناصر (پاییز ۱۳۹۳): «داعش و ژئوپلیتیک مقاومت اسلامی»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*؛ ش ۲۶.

- توکلی، سعید (تابستان ۱۳۹۳): «القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات»، *فصلنامه آفاق امنیت*؛ سال هفتم، ش ۲۳، ص ۱۵۱ تا ۱۹۷.

- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۸): *تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر*؛ انتشارات زوار.

- خسروی، غلامرضا (بهار ۱۳۸۹): «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ سال سیزدهم، ش ۱، ص ۵۹ تا ۹۳.

- درخشه، جلال و محمدمهدی ملکی (۱۳۹۳): «موانع داخلی دموکراتیزه‌شدن عراق پس از سقوط صدام»، *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش ۱، ص ۹۵ تا ۱۱۶.

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (بهار ۱۳۹۱): «نوواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*؛ سال بیست‌وششم، ش ۱.

- زارعان، احمد (تابستان ۱۳۹۳): «زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا»، *فصلنامه آفاق امنیت*؛ سال هفتم، ش ۲۳، ص ۶۷ تا ۹۷.

- سرخیل، بهنام (پاییز ۱۳۹۱): «مؤلفه‌های درون‌منطقه‌ای اثرگذار بر خروج نظامیان آمریکا از عراق»، *فصلنامه سیاست خارجی*؛ سال بیست‌وششم، ش ۳.

- سردارنیا، خلیل‌الله (تابستان ۱۳۹۱): «عراق، استمرار خشونت و رؤیای دموکراسی: یک تحلیل

- چندسطحی»، *فصلنامه راهبرد*؛ سال بیست و یکم، ش ۶۳، ص ۷ تا ۳۶.
- سردارنیا، خلیل الله و محمد زارع (بهار ۱۳۹۴)؛ «فدرالیسم و فرهنگ سیاسی در عراق»، *فصلنامه روابط خارجی*؛ سال هفتم، ش ۱، ص ۱۹۱ تا ۱۹۶.
- سمیعی، علیرضا و محسن شفیعی (۱۳۹۴)؛ «آینده گروه‌های تکفیری و راهکارهای ثبات‌بخش دولت سوریه و عراق»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*؛ سال چهارم، ش ۴.
- سیدنژاد، باقر (بهار ۱۳۸۹)؛ «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*؛ سال سیزدهم، ش ۱، ص ۹۵ تا ۱۲۲.
- شیروودی، مرتضی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)؛ «مدل راهبردی (SWOT) در تحلیل بحران رفتار سیاسی داعش، جمهوری اسلامی ایران و راه‌های برون‌رفت»، *پژوهش‌های سیاست اسلامی*؛ سال سوم، ش ۸.
- صالحی، سید جواد و فاتح مرادی‌نیز (بهار ۱۳۹۴)؛ «پیامدهای ظهور داعش بر ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*؛ سال پنجم، ش ۱، ص ۱۰۳ تا ۱۲۷.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۶)؛ *بنیادهای علم سیاست*؛ ج ۷، تهران: نشر نی.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)؛ *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*؛ ج ۱۵، تهران: سمت.
- کرمی، جهانگیر (بهار ۱۳۸۰)؛ «تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها»، *مجله سیاست دفاعی*؛ ش ۳۴.
- محق، سید عدنان و زهرا عالی (تابستان ۱۳۸۸)؛ «جایگاه و نقش عشایر در تحولات سیاسی عراق»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*؛ سال شانزدهم، ش ۲، ص ۷۵ تا ۱۰۳.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)؛ *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*؛ ج ۷، تهران: سمت.
- منصوری مقدم، محمد (زمستان ۱۳۹۱)؛ «مؤلفه هویت و تأثیر آن بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*؛ سال نوزدهم، ش ۷۲.

- موثقی، سید احمد (تابستان ۱۳۸۸): «جنگ و توسعه نیافتگی در جهان سوم»، *فصلنامه سیاست*؛ دوره ۳۹، ش ۲، ۳۱۷ تا ۳۳۷.
- مهری کارنامی، محمد (بهار ۱۳۸۸): «آسیب‌شناسی تأثیر قومیت‌گرایی بر امنیت ملی»، *مجله حصون*؛ ش ۱۹.
- نیاکوئی، سید امیر و سجاد مرادی کلارده (بهار ۱۳۹۴): «رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در عراق»، *فصلنامه روابط خارجی*؛ سال هفتم، ش ۱، ص ۱۲۱ تا ۱۶۹.
- هدایتی شهیدانی، مهدی و سجاد مرادی کلارده (تابستان ۱۳۹۳): «مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چندسطحی»، *فصلنامه آفاق امنیت*؛ سال هفتم، ش ۲۳، ص ۲۲۹ تا ۲۵۷.

## ۲- منابع انگلیسی

- Al-Qarawee, Harith, (2014), "Iraq's Sectarian Crisis, a legacy of Exclusion", *Carnegie Endowment for International Peac.*
- Barzegar, Kayhan, (2010), Iran's foreign policy strategy after saddam, center for strategic and international studies, *Washington Quarterly*, January.
- Charountaki, Marianna (2012), "Turkish Foreign Policy and the Kurdistan Regional Government", *Perceptions*, winter, Volume XVII, Number 44.
- Cordesman, Anthony H and Sam Khazai (2014), "Iraq in Crisis", *center for strategic & international studies*, January 24.
- Cordesman, Anthony. H, (2015), Trends in Iraqi Violence, Casualties and Impact of War: 2003-2015, *Center for Strategic & International Studies.*
- Davutoglu, Ahmet (2008), "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", *Insight Turkey*, vol. 10, no. 1.
- Gunter, Frank. R, (2014), the ISIL Invasion of Iraq: Economic Winners and Loser, *Foreign Policy Research Institute.*
- Ibrahim, Fouad, (2006), *the Shiite's of Saudi Arabia*, London & Sanfrancisco: Saqi

Press.

- Katzman, Kenneth (2013), "Iraq: Politice, Governance and Human Rights", *Congressional Research Service*, August 22.
- Leigh, James, (2008), Shia Islam and Oil geopolitics, *Energy Bulletin*, Dec, 23.
- Mearsheimer, John J, (1995), the False Promise of International Institutions, *International Security*, Vol. 19, no. 3, winter.
- Minority Rights Group International (2014), report, *From Crisis to Catastrophe: the situation of minorities in Iraq*.
- Noorbakhsh, Mehdi, (2008), Shiism and Ethnic Politics in Iraq, *Middle East Policy*, XV (2), summer, pp 53-65.
- Pewforum, (2009), Mapping the Global Muslim Population, October 7  
<http://www.pewforum.org/2009/10/07/mapping-global-muslim-population/>
- Pewforum, (2013), "Many Sunnis and Shias Worry about Religious Conflict", *Pew Research Center*.
- RT, (20/12/2015), *Most smuggled ISIS oil goes to Turkey, sold at Low prices- Norwegian report*. <https://www.rt.com/news/326567-is-export-oil-turkey/>
- Sofan Group, (2015), *Foreign Fighters, an Updated Assessment of the Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq*, December.
- Taliaferro, Jeffery W,(2001), Security Seeking under Anarchy Defensive Realism Revisited, *International Security*, Vol. 25, No. 3, winter.
- Undp, (2015), Human Development Indicators.  
<http://hdr.undp.or/en/counters/profiles/IRQ>.
- Unpo (2013), "Iraq: The Situation of Ethnic and Religious Minorities", *Briefing Paper*.
- U.S. Census Bureau, (2015), International Data Base.

<http://www.census.gov/population/international/data/idb/informationnGateway.php>.

- Walt, Stephen, M (1987), *the Origin of Alliances*, Cornell University Press.

-[www.iraqbodycount.org/database](http://www.iraqbodycount.org/database).

### ۳- منابع اینترنتی

- امید، علی (۱۳۹۳/۰۴/۱۶)؛ «پیامدهای امنیتی تجزیه احتمالی عراق برای ایران»،  
تارنمای دیپلماسی ایرانی: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1935451/html>. تاریخ  
مراجعه به سایت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۳.

- فریدمن، جرج (۱۳۹۳/۰۹/۱۰)؛ «داعش ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر داده است»؛ ترجمه مرکز رصد  
راهبردی اشراف: <http://www.eshraf.ir/3608/html>. تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۴.

- قانون اساسی عراق؛ نوشته شده در سایت حقوق به  
نشانی: [www.hoghoogh.online.fr/article...407](http://www.hoghoogh.online.fr/article...407)